

برخورد قدرتمند با جمهوری اسلامی

گفتوگو با مهرداد درویش‌پور، استاد دانشگاه در سوئد، در بررسی تحولات خرداد ماه
دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۴ می ۲۰۱۰
ایرج ادیبزاده
adibzadeh@radiozamaneh.com

در روزهای آغازین ماه خرداد قرار داریم. یکسال پیش در این ماه و همزمان با دهمین انتخابات ریاست جمهوری، رویدادهای بسیاری در ایران به وقوع پیوست. امسال در آستانه‌ی ماه خرداد، بار دیگر دانشگاه‌ها زیر فشار نهادهای امنیتی قرار گرفته‌اند. این بار اما فشار نهادهای امنیتی، اجبار مقنعه برای دختران و محدودیت‌هایی در پوشش برای پسران نیز هست. این در شرایطی است که نگرانی از اعدام دانشجویان در بند هم‌چنان ادامه دارد.

افزایش فشارهای سیاسی و اجتماعی در آستانه‌ی ماه خرداد از سوی جمهوری اسلامی با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ این پرسشی است که با آقای مهرداد درویش‌پور، استاد دانشگاه در سوئد در میان می‌گذارم:

به‌گمان من هدف اصلی حکومت اسلامی مقابله با خیزشی است که در سالگرد کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد با آن روبه‌رو خواهیم بود. به یک معنا این اعدام‌ها و اعمال فشارها دو هدف را دنبال می‌کند. یکی هدفی درازمدت‌تر و بلندمدت‌تر است و آن هم این است که نوین‌ادگرایی اسلامی در ایران تلاش می‌کند در قالب دولت احمدی‌نژاد و رهبری ولی فقیه، جامعه را به نوعی به همان عصر ترور و وحشت آغاز بنیادگرایی اسلامی، به‌ویژه در سال‌های دهه‌ی شصت برگرداند. به نظر من شدت گرفتن سرکوب‌ها، اعمال فشار بر سر مسئله‌ی حجاب، مقنعه، انقلاب فرهنگی، اعدام‌ها و ... را باید به‌عنوان یک مجموعه‌ی به‌هم پیوسته در راستای هجوم نوین‌ادگرایی اسلامی، برای به تمکین واداشتن جامعه دنبال کرد.

به‌صورت اخص هم عامل دوم سخت‌گیری‌ها، شدت‌گیری اعدام‌ها و سرکوب‌ها، همان‌طور که گفتم، فرارسیدن ۲۲ خرداد است. یعنی حکومت احساس می‌کند به‌رغم گذشت یکسال از سرکوب این جنبش، بازهم این جنبش با مقاومت توان پایداری دارد و ۲۲ خرداد می‌تواند یک نوع عروج قدرتمند جنبش سبز و ضد استبدادی ایران شود، بنابراین سعی می‌کند با ایجاد ارباب و وحشت، نفس را در سینه‌ها حبس کند. به‌ویژه که

فکر می‌کنند دانشجویان گروهی هستند که در ۲۲ خرداد بیش از همه گروه‌های دیگر واکنش نشان خواهند داد. یکی از اصلی‌ترین نیروهای ضد بنیادگرایی اسلامی نیروی سکولار، مدرن و خواهان دموکراسی همین دانشجویان هستند. از این نظر به گمان من تهدید و به تمکین واداشتن آن‌ها از نظر جمهوری اسلامی بسیار کلیدی است. به همین خاطر فشار را به‌ویژه در آستانه‌ی ۲۲ خرداد شدت بخشیده‌اند.

شما به مسئله‌ی اعدام‌ها هم اشاره کردید. در حال حاضر مدافعان حقوق بشر و مبارزه علیه اعدام‌ها در ایران و در جهان، نگران هستند که مبادا در آستانه‌ی ماه خرداد، جمهوری اسلامی، دست به اعدام‌هایی از جمله اعدام دانشجویان بزند. به‌ویژه نگرانی از اعدام یوسف رشیدی در میان هست؛ دانشجوی پلی‌تکنیک که روز دیدار محمود احمدی‌نژاد از این دانشگاه، یک صفحه کاغذ را بالا برد که روی آن نوشته شده بود: «رئیس جمهور فاشیست، پلی‌تکنیک جای تو نیست!»

نخست آن که به‌گمان من این اعدام‌ها، اعدام‌های این پنج نفر از ایرانیان که چهار نفرشان کردتبار بودند، آن هم در همین فاصله‌ی کوتاه و این گونه سرآسیمه، نشان می‌دهد که حکومت اسلامی به‌طور جدی درصدد است با این نوع اعدام‌های بی‌رویه و سبانه، جو ارباب وحشتناکی را بر جامعه تحمیل کند. این اعدام‌ها نخست از زندانیان سیاسی و مبارزین کرد بود. امروز با نزدیک‌تر شدن به ۲۲ خرداد، این اعدام‌ها به‌سوی دانشجویان که یک نیروی فعال ضد استبداد هستند جهت‌گیری کرده است. به گمان من جمهوری اسلامی اگر با یک واکنش قدرتمند داخلی و بین‌المللی روبه‌رو نشود، به این اعدام‌ها ادامه خواهد داد. در این زمینه دچار خوش‌خیالی هم نباید بود. تنها شکلی که می‌شود جلوی این اعدام‌ها را گرفت، اعتراض‌های داخلی و بین‌المللی گسترده است. اعتصاب سیاسی عمومی کردستان به‌نظر من نمونه‌ی خوبی بود که چگونه می‌شود در برابر این ماجرا واکنش قدرتمندی نشان داد و سکوت نکرد.

در سطح بین‌المللی هم به‌گمان من تمام ایرانیان خارج از کشور موظف هستند در برابر این ترفندی که حکومت اسلامی در پیش گرفته است، واکنش قدرتمندی نشان دهند. یعنی نخست اعدام کند و بعد جو جامعه را آزمایش کند تا اگر جامعه، واکنش قدرتمند نشان ندهد، این اعدام‌ها را ادامه دهد و اگر با واکنش قدرتمند روبه‌رو شود، بی‌تردید آن‌ها را متوقف خواهد کرد.

ما هفته‌ی گذشته، در همین زمینه با وزارت امور خارجه‌ی سوئد ملاقات داشتیم. در این ملاقات فهرست تمام کسانی که در معرض خطر اعدام

هستند و شش تن از آنها را خود دادستانی تهران اعلام کرده است، در اختیار مقامات وزارت امور خارجه‌ی سوئد قرار دادیم و خواستار آن شدیم که اتحادیه‌ی اروپا و سوئد، در صورت تداوم فشارها و اعدام‌ها با فراخواندن سفرائشان، به نوعی جلوی این ماجرا را بگیرند.

صرف نظر از فشارهای بین‌المللی که بسیار مهم است، فکر می‌کنم واکنش قدرتمند هموطنان ما در داخل و خارج از کشور بسیار کلیدی است. یک واکنش مدنی، مسالمت‌آمیز، اما قدرتمند، پاسخی خواهد بود برای جلوگیری از تداوم اعدام‌ها. اگر مردم سکوت کنند، تمکین کنند یا مرعوب شوند، باید مطمئن بود که این موج اعدام‌ها شدت بیشتری خواهد گرفت. اما اگر جامعه واکنش درخوری نشان دهد، به گمان من می‌شود به راستی جمهوری اسلامی را به عقب راند و جلوی قربانیان بیشتر را گرفت.

پرسش پایانی من درباره‌ی همین ممنوع شدن ورود بدحجاب‌ها چه دختر و چه پسر به دانشگاه‌ها و گفته‌های آقای جنتی در نماز جمعه است که گفته: «دانشجو نمره می‌خواهد و ناچار است محجبه باشد». مدیرکل حراست دانشگاه تهران نیز گفته است: «بهره‌برداری سیاسی از بدحجابی ممنوع»!

تأکید ویژه بر سر این که حتی در محیط دانشگاه‌ها کنترل بر مسئله‌ی حجاب شدت پیدا کند، به قول خودشان با بدحجابی مقابله کنند و حتی شدت عمل بیشتری به کار گیرند برای محجبه کردن زنان، بخشی از همان تلاش برای تحکیم اقتدار سیاسی است. در واقع در ذات این بحث، نوعی بهره‌برداری سیاسی نهفته است. قصد این است که به نام این که ما می‌خواهیم حجاب را شدت بیشتری ببخشیم، علناً در جامعه فریاد بزنند که ما در پی تحکیم ارزش‌های بنیادگرایی اسلامی هستیم.

به نظر من روزی که در جامعه‌ی ایران زنان حجاب‌ها را از سرشان بردارند، ما دیگر با پدیده‌ای به نام اقتدار بنیادگرایی اسلامی در ایران روبه‌رو نخواهیم بود و به نوعی پایان آن خواهد بود. از این نظر باید گفت که حمله‌ی حکومت اسلامی به حوزه‌ی خصوصی، فردی و شئون فردی انسان‌ها، نظیر نوع لباس و پوشش، بخشی از روند ایدئولوژیک کردن جامعه، بخشی از روند بلعیدن جامعه مدنی توسط دولت سیاسی—ایدئولوژیک اسلامی و بخشی از تحکیم فرایند نوبنیادگرایی اسلامی در یک نظام توتالیتر است. به همین خاطر با شدت و قدرت در کنار اعدام‌ها به این نوع سخت‌گیری‌ها هم ادامه خواهند داد.